

آن دورها

سنگ گریه نمی کند
می گریاند
سنگ خنده نمی کند
نمی خنداند
سنگ خنگ است
سنگ رحم نمی کند
سنگ عشق را نمی فهمد
سنگ مویه را نمی فهمد
سنگ درد من و تو را نمی داند
سنگ خسته که نمی شود
می خستاند
سنگ اشک حالی اش نیست
سنگ پیچش دستان حالی اش نیست
سنگ مکیدن پستان حالی اش نیست
سنگ رقص لبان حالی اش نیست
سنگ رنگ حالی اش نیست
سنگ قرمزی خون بر چهره تو حالی اش نیست
سنگ هیچی حالی اش نیست

سنگ قصه نمی گوید
قصه تو را هم گوش نمی کند

سنگ گریه نمی کند
می گریاند